

آلیس فوراً جواب داد:

«اوه، نسبت به اندازه حساسیتی ندارم، فقط دلم نمی‌خواهد تا این اندازه به سرعت تغییر پیدا کنم، حرفم را متوجه می‌شوید؟»
کرم صدپا گفت:
«نه، متوجه نمی‌شوم.»

آلیس صحبتی نکرد: او در گذشته هیچوقت تا این اندازه دچار تناقض نشده بود، و تصور نمود که دستخوش حالت عصبانیت می‌گردد.

کرم صدپا پرسید:
«آیا هم اکنون راضی هستی؟»

آلیس گفت:
«خوب، اگر از نظر شما ایرادی نداشته باشد، دلم می‌خواهد کمی بزرگتر بشوم، قربان. سه اینچ اندازه ناجوری است.»
کرم صدپا در حالی که قسمت میانی خودش را بالا می‌کشید با لحن خشنی گفت:
«خیلی هم اندازه برازنده‌ای است!» (خودش در واقع به همان اندازه بود).

آلیس با لحن نزاری گفت:

«ولی من به این اندازه بودن عادت ندارم!» و با خودش اندیشید که:

